

# زبان گلیم آنا تولى

اوزير اوزلورت

مترجم: رضا صادقى



# زبان گلیم آناتولی

نویسنده: اوزییر اوزیورت

متخصص گلیم

مترجم: دکتر رضا صادقی

نسخه اینترنتی

تارنمای پرمایون

[www.permyon.com](http://www.permyon.com)

اوزیورت، اوزییر ۱۹۶۸ Üzeyir Özyurt

زبان گلیم آناتولی / نویسنده اوزییر اوزیورت ؛ مترجم رضا صادقی.

تهران: پرتو واقعه، ۱۳۹۵

۴۶ ص. : مصور، نمودار؛ ۵/۱۴ X ۵/۲۱ س م.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۶۰-۸۶-۷ ISBN 978-964-8060-86-7

عنوان اصلی: The Language of kilim of Anatolia

موضوع: قالیچه‌های شرقی - ترکیه - استانبول

Rugs, Oriental- Turkey- Istanbul

صادقی، رضا، ۱۳۴۹ - ، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف ۹ / ۱ الف ۱ / NK ۲۸۵۶

رده بندی دیویی: ۷۴۶ / ۷۵۰۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۴۶۴۱۹

## مشخصات کتاب

نام کتاب: زبان گلیم آناتولی

نویسنده: اوزییر اوزیورت

مترجم: رضا صادقی

ناشر: پرتو واقعه

طرح جلد: عسل زند داودی

چاپ کاغذی - نوبت نخست: ۱۳۹۵

نسخه اینترنتی - قطع وزیری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۶۰-۸۶-۷

نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان قدس و وصال شیرازی، کوچه اسکو،

پلاک ۱۴ طبقه سوم شمالی - تلفن: ۶۶۴۹۵۴۰۷ و ۶۶۴۱۴۶۱۶

## دیباچه مترجم

برای بسیاری از ایرانی‌ها فرش و قالی یکی از اجزای مهم محیط زندگی است. تقریباً در خانه همه ایرانی‌ها از هر طبقه اجتماعی یا در هر سطحی از رفاه مالی می‌توان یک تخته فرش پیدا کرد. برای من به عنوان مترجم این کتاب، فرش مفهومی عمیق دارد. شاید برای بسیاری از کسانی که در یک خانواده شهرنشین به دنیا آمده باشند، فرش تنها در حکم یکی از اجزای خانه باشد. برای من هم تا سال‌ها فرش همین معنا را داشت تا اینکه وقتی ۱۲ سال داشتم در منزل یکی از بستگان با دار قالی و نحوه بافتن آن آشنا شدم. درک اینکه رشته‌های پشم و ابریشم چگونه در تار و پود قالی می‌نشینند و یک فرش از نخستین قدم تا پایان چگونه بافته می‌شود برایم بسیار جالب بود و توانستم با گوشه‌ای از هنر قالی بافی آشنا شوم.

با کمک این شخص بود که بافتن قالی را یاد گرفتم. نخست یاد گرفتم که در تکمیل کار قالی به او کمک کنم. او از روی نقشه نقاط مهم یا دو سر گل‌های قالی را می‌بافت و قسمت‌هایی را که باید فقط با یک رنگ پر می‌شدند به من می‌داد تا ببافم. در واقع من زمینه فرش را برای او پر می‌کردم. بعد از مدتی یک دار قالی بافی در خانه ما جا خوش کرد و در مدت چند سال، دو قالیچه تولید شد. من به جز این تجربه و مشارکت در بافتن فرش، تا سالها در مورد گلیم چیز زیادی نمی‌دانستم تا آنکه با نویسنده این کتاب آشنا شدم.

گلیم یا پلاس پوشش و زیراندازی است که از پشم حیواناتی مانند بز و گوسفند یا ابریشم بافته می‌شود. گلیم به شکل سنتی به عنوان زیرانداز یا پوششی برای دیوارها یا به عنوان روانداز برای حیوانات باربر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این زیرانداز که مردم ایران و افغانستان آن را با نام "گلیم" می‌شناسند، در ترکیه "کیلیم" خوانده می‌شود.

یکی از ویژگی‌های گلیم سبک بودن آن است که آن را به زیرانداز مناسبی برای عشایر بدل می‌کند. از سوی دیگر مواد اولیه ساخت آن یعنی پشم حیوانات از تولیدات عشایر است و مواد لازم برای رنگ کردن پشم از گیاهان و مواد موجود در طبیعت به دست می‌آید.

درباره ترجمه این کتاب، باید بگوییم که تا امروز ۱۵ سال از دوستی من با اوزبیر می‌گذرد. او در شهر قونیه به تجارت گلیم مشغول است. چند سال قبل از او خواستم تا در مورد نقش‌های گلیم اطلاعاتی به من بدهد. در آن زمان بود که دانستم گلیم برعکس قالی نقشه از قبل آماده‌ای ندارد. برای من که یاد گرفته بودم در هنر قالی بافی، نقشه چه قدر اهمیت دارد و باید آن را به دقت اجرا کرد، بافتن یک گلیم بزرگ یا کوچک بدون نقشه قبلی خیلی متفاوت به نظر می‌رسید. از یک قالی، می‌توان ده‌ها و صدها تخته مشابه هم بافت چون همگی یک نقشه دارند، اما از هر گلیم تنها یکی در جهان وجود دارد. این ویژگی بی‌نظیر گلیم است.

هنگامی که در مورد معنی و مفهوم نقش‌های گلیم اطلاعات بیشتری به دست آوردم، توانستم گلیم را چیزی متفاوت از یک زیر انداز یا جسمی برای زینت منزل ببینم. در اغلب گلیم‌ها، نمادها یا سمبل‌های مختلف و مفاهیم عمیقی وجود دارند که بسیاری از مردم و دارندگان گلیم از آنها بی‌اطلاع‌اند. برای همین فکر کردم که ترجمه این کتاب می‌تواند آگاهی مفیدی در اختیار کسانی که به گلیم علاقه دارند قرار دهد.

در این کتاب، نویسند تلاش کرده است ریشه اسطوره‌ای سمبل‌های به کار رفته در نقشه گلیم‌های آناتولی و معنی آنها را توضیح دهد. اصولاً در همه فرهنگ‌ها و در میان پیروان هر آیین، مذهب و نگرش فکری می‌توان نمادها یا سمبل‌های گوناگونی را یافت. سمبل‌ها، مفاهیم مختلفی را به طور غیر مستقیم، از راه ارتباط گرفتن با ناخودآگاه انسانها بیان می‌کنند. بسیاری از آنها ریشه در اسطوره‌های قدیمی دارند. شاید بتوان گفت انسان همواره آنچه را که مطلوب خود می‌دانسته و آرزوی به دست آوردنش را داشته، با کمک سمبل بیان کرده است. نمادها کمک می‌کنند تا معنا و مفهوم آنچه را که نمی‌توان به وسیله کلام بیان کرد، به مخاطب نشان داد. بسیاری از آنها دارای بار اعتقادی هستند. بسیاری از ما ممکن است

نشانی خاص را بر دست یا گریبان خود حمل کنیم و یا در محل کار و زندگی خود برای محافظت، تبرک و زیبایی از سمبل خاصی استفاده کنیم.

درست است که این کتاب در مورد گلیم‌های آناتولی نوشته شده است ولی باید توجه داشت که سمبل‌های گوناگون در میان مردمان مختلف، می‌توانند مفاهیم مشترکی داشته باشند. این نکته مهمی است که نویسنده تلاش کرده است در کنار معنا کردن نقش‌های گلیم برای خواننده باز کند و برای همین مثال‌های گوناگونی از سمبل‌های مختلف در میان اقوام جهان به زبان آورده است. بنابراین حتماً می‌توان سمبل‌های مشابهی را در گلیم‌های بافت ایران یا کشورهای دیگر مشاهده کرد.

این کتاب به چهار زبان ترکی، ایتالیایی، انگلیسی و فرانسه وجود دارد. ترجمه فارسی از روی نسخه انگلیسی انجام شده است. متن کتاب بیشتر از آنکه نوشتار باشد، حالت گفتاری دارد. پاورقی‌ها را هنگام ترجمه به کتاب اضافه کردم تا درک مطلب را برای خواننده ممکن کند. این پاورقی‌ها در نسخه‌های دیگر کتاب به جز فارسی وجود ندارد. به جز اینکه پیش از چاپ و انتشار کتاب چند جلسه با نویسنده وقت صرف کردم تا متوجه منظور او از توضیحات کتاب بشوم. حتی در تیرماه ۹۵ سفری به منطقه چاتال‌هویوک داشتم تا از نزدیک نمادهایی را که اوزبیر در کتاب خود از آنها اسم برده است مشاهده کنم. به جز این پاره‌ای توضیحات شفاهی از زبان نویسنده به ترجمه کتاب اضافه شده است که در متن اصلی وجود ندارد و برخی بخش‌ها که توضیحات ناقصی داشتند با نظر او حذف شده‌اند.

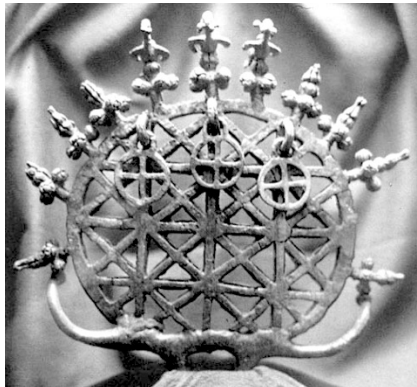
از آنجایی که هیچ نسخه الکترونیک از متن یا تصویرهای کتاب وجود نداشت، ناچار شدم تصویرهای کتاب را دوباره نقاشی کنم تا برای چاپ کیفیت خوبی داشته باشند. این کتاب با همه کتاب‌های قبلی که نوشتم یا ترجمه کردم متفاوت است. بعد از ترجمه این کار، هر وقت به یک گلیم نگاه می‌کنم حس می‌کنم که گلیم با من حرف می‌زند. امیدوارم شما نیز از خواندن این کتاب لذت ببرید.

رضا صادقی

تابستان ۱۳۹۵



نقشه کشور ترکیه

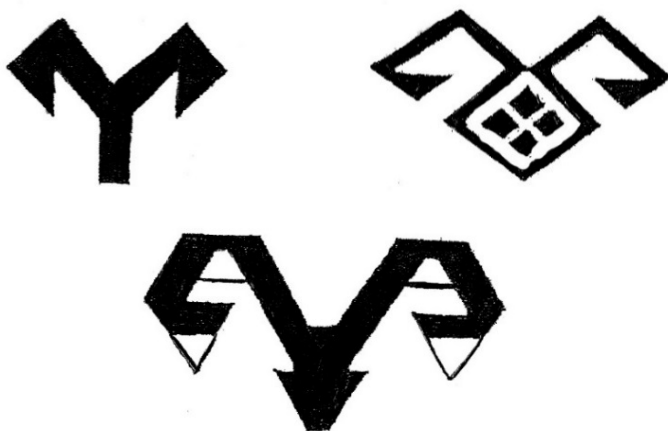


خورشید هیتایت



## زبان گلیم

گلیم‌بافان باور دارند کسانی که زبان گلیم‌ها را درک می‌کنند، ماجرای بافته شدن هر گلیم را مانند قصه و داستانی می‌بینند که بازتاب‌دهنده زندگی بافنده آن و فرهنگ و جامعه‌ای است که بافنده به آن تعلق دارد. در هر گلیم سمبل‌های گوناگونی دیده می‌شود. گاهی یک سمبل مانند شاخ قوچ که در زبان ترکی آن را کوچ‌بوی‌نوزو<sup>۱</sup> می‌خوانند به فراوانی در گلیم‌ها مشاهده می‌شود. این سمبل در مناطق مختلف، با نام‌های متفاوتی شناخته می‌شود چرا که هر یک جوامع تعبیرهای خاص خود را از این نماد داشته‌اند. برخی آن را نشان پدر، برخی نماد قدرت و گروه دیگری از قبایل آن را نشانگر حیات و زندگی می‌دانند.



کوچ بوی‌نوزو یا شاخ قوچ

<sup>۱</sup> Kuçboyunuzu : کوچ‌بوی‌نوزو یا قوچ‌بوی‌نوزو هردو صحیح هستند

از سوی دیگر برخی سمبل‌ها با وجودی که در گلیم‌های مختلف به اشکال گوناگون مشاهده می‌شوند، همگی معنای یکسانی دارند. به عنوان مثال می‌توان به سمبل الی‌بلینده<sup>۲</sup> اشاره کرد. این سمبل زنی را نشان می‌دهد که در حالت ایستاده دست به کمر زده است و در گلیم‌های مختلف همواره یک شکل را حفظ کرده است. الی‌بلینده سمبل مادر، باروری و زایش است.



سه طرح از الی‌بلینده

برای اینکه بتوان معنی سمبل‌ها را درک کرد باید نگاهی به زندگی گذشته بشر انداخت. در زمان‌های قدیم انسان باید برای بقای خود تلاش زیادی به خرج می‌داد. او از سوی نیروهای مختلف تهدید می‌شد یا به مراتب بیش از امروز، تحت تاثیر آنها قرار داشت. این نوع ارتباط با طبیعت باعث می‌شد تا انسان همه اجزای عالم را زنده و قدرتمند بدانند.

برای این انسان، مادر واقعی و پدید آورنده حیات، "زمین" و نیروهای وابسته به آن بود. این انسانها با کمک وسایل ابتدایی خود مانند نیزه و تبر شکار می‌کردند و امکان بقای آنها تا حد زیادی وابسته به گروه و قبیله‌ای بود که در آن زندگی می‌کردند.

این واقعیت تنوع سمبل‌ها در دوره پالئوتیک<sup>۳</sup> را توجیه می‌کند. یکی از سمبل‌های مهمی که از این دوره به جای مانده، سمبل ونوس (Venus of Laussel) است. این نماد، که به قدرت‌های زنانه اشاره می‌کند، زنی را نشان می‌دهد که یک شاخ قوچ در دست دارد.

<sup>۲</sup> Elibelinde

<sup>۳</sup> پالئوتیک یا پارینه سنگی دوره‌ای است که انسان با شکار حیوانات شکم خود را سیر می‌کرد یا از میوه‌ها می‌کرد. در این دوران، بشر هنوز به دانش کشاورزی دست پیدا نکرده بود.

در دوره نئولیتیک<sup>۴</sup>، اختراع خیش و گاو آهن زندگی جوامع ابتدایی را دچار تغییر کرد. برای استفاده از گاو آهن، هم توان مردانه لازم بود و هم نیروی گاو. برای همین شاخ گاو بدل به نمادی برای نیروی مردانه شد که خیش یا گاو آهن را در زمین حرکت می‌دهد.

در دوره نئولیتیک در منطقه چاتال هویوک<sup>۵</sup> روستایی باستانی مربوط به تمدن نام هیتایت<sup>۶</sup> وجود دارد که قدمت آن به ۶ تا ۷ هزار سال قبل از میلاد برمی‌گردد. مجسمه‌هایی که در این منطقه وجود دارند نشان می‌دهند که در باورهای مردم این منطقه، گاو نر از الهه مادر متولد شده است. الهه مادر نشان از باروری، قدرت زایش و تولد دادن است.



تندیس الهه مادر چاتال هویوک - قونیه

<sup>۴</sup> نئولیتیک یا نوسنگی دورانی از زندگی بشر است که سرآغاز آن به ۱۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. در این دوره بشر ابزارهای ابتدایی اختراع کرد، به آهن، مس و برنز دسترسی پیدا کرد و همزمان با آغاز کشاورزی به اهلی کردن دامها پرداخت. <sup>۵</sup> Catalhöyük نام روستایی باستانی در نزدیکی قونیه است. این محل، یکی از مناطق باقی مانده از دوران نئولیتیک است. در این دوران آب و هوای فلات قونیه با امروز بسیار متفاوت بوده است. در این منطقه رودخانه بزرگی به نام چارشنبه وجود داشته که از دریاچه بوردور سیراب می‌شده است. این فلات دارای مناطق باتلاقی فراوان، درختان بی‌شمار، حیوانات مختلف و خاک غنی بوده است. مردمی که در این منطقه زندگی می‌کردند یکی از نخستین تمدن‌های آغاز کننده کشاورزی و اهلی کردن دامها بوده‌اند. تندیس‌های به دست آمده از این منطقه نشان می‌دهد که آنها از گاو و گوسفند به عنوان حیوانات اهلی بهره می‌بردند. برخی سمبل‌های به کار رفته در گلیم‌های آناتولی ریشه در این تمدن دارد.



راست: قوچ هیتایت    چپ: گاوهای نر هیتایت

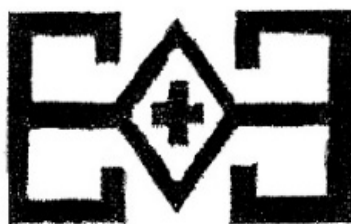
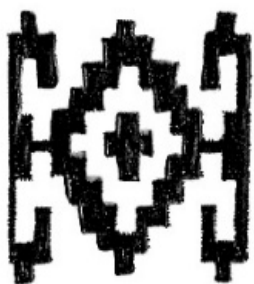
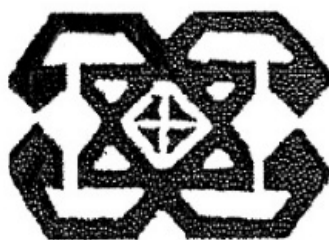
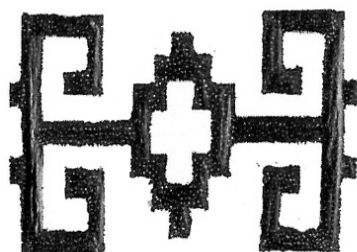
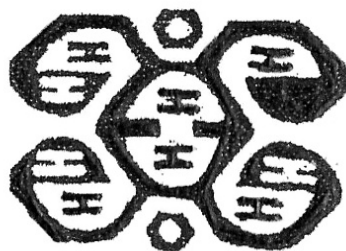
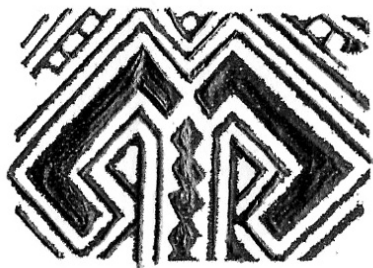
نمادهای مشابهی در میان مغول‌های منطقه هیتایت وجود دارد که قدمت آن به ده هزار سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. در این سمبل‌ها به جای گاو نر از نماد قوچ استفاده شده است. در داستانی آمده: هنگامی که درد زایمان همسر یکی از امپراتورهای مغول آغاز شد، امپراتور هشت بار بر خورشید سجده کرد و به انتظار تولد فرزند خود نشست. در لحظه تولد نوزاد، زنگوله‌ای که بر گردن یک قوچ آویزان بود از خود صدایی تولید کرد که باعث کاستن از درد زایمان شد. برای همین قوچ به عنوان نمادی مقدس شناخته می‌شود.

هنگامی که قبایل و عشایر پرورش دهنده گاو<sup>۷</sup> به خاورمیانه کوچ کردند و در آن ساکن شدند با آب و هوایی متفاوت و مرأتعی جدید روبه‌رو شدند که آفتابی سوزاننده داشت و در بسیاری از مواقع بارش باران با رعد و برق همراه بود.

این ویژگی آب و هوایی یعنی هوای سرد به همراه آفتاب سوزاننده برای آنها در قالب نمادی به نام خدای آسمان یا گوکتارنی<sup>۸</sup> تجلی پیدا کرد. گوکتارنی خدای آسمان، ستاره‌ها و خورشید است.

<sup>۷</sup> Oxen: این اقوام در خراسان بزرگ زندگی می‌کردند و از محلی به محل دیگر کوچ می‌کردند.

<sup>۸</sup> Goktarni: از ترکیب دو واژه به وجود آمده است: گوک به معنای آسمان و تارنر به معنای خدا است.



هشت طرح از نماد شاخ قوچ در گلیم

در جوامع کشاورز الهه مادر به صورت یک زن باکره، حیات بخش و زندگی آفرین تصور می‌شود. رابطه الهه مادر با مردان و جنس مذکر، یک رابطه آسمانی است (نه زمینی). مردان این اسطوره در فصل بهار متولد می‌شوند، با الهه مادر وصلت کرده و او را بارور می‌کنند. این مردان در فصل پاییز و هنگام برداشت محصول می‌میرند و روحشان به آسمان برمی‌گردد تا دوباره در بهار آینده به زمین بازگردند. در اسطوره‌های برخی اقوام، مانند ترک‌های خاورمیانه، اساطیر آسمان و زمین دوره‌های مرگ و زندگی فصلی ندارند و به صورت وجودی یگانه تصور می‌شوند. این اسطوره در فرهنگ‌های مختلف نام‌های متفاوتی دارد. در خاورمیانه آن را پرسو<sup>۹</sup> (آب و زمین) و گوکتارنی (خدای آسمان) می‌نامند.



<sup>۹</sup> واژه پرسو (Yersu) مرکب از دو بخش است: "یر" به معنای زمین و "سو" به معنی آب. زمین یا "یر" به مادر و نیروی زنانه اشاره می‌کند و "سو" به باران یا آب اشاره دارد که بیانگر نیروی پدر یا مردانه است. باران از آسمان بر زمین می‌بارد و امکان زندگی و رویش گیاهان و تغذیه جانوران و انسان‌ها را فراهم می‌کند و زمین دریافت‌کننده باران و بستر رشد است. این دو نیرو به مانند بین و ینگ، در کنار هم، تولد و زایش را ممکن می‌کنند.

کشاورزان برای اینکه از توان زایش و باروری مادر زمین در فصل بهار اطمینان حاصل کنند حیوانات شاخدار مانند قوچ و گاو نر را قربانی می‌کردند. آنها این حیوانات را معادل حیواناتی که در صور فلکی تصویر می‌شوند می‌دانستند و همان قدرت‌ها را برای آنها متصور بودند. خون حیوان قربانی توان حیات و زایش را به زمین باز می‌گرداند. باور کشاورزان این بوده است که با کمک این قربانی در فصل درو، محصولی پربرابری به دست می‌آید.

عشایر ترک تابستان‌ها را در بیلاق‌های مرتفع و زمستان‌ها را در قشلاق‌های کم ارتفاع نزدیک دریا سپری می‌کنند. مرتع، نقش کلیدی در تغذیه حیوانات آنها دارد. عشایر هر سال به نیت خدایان کیهانی یک اسب و به نیت الهه یرسو، یک قوچ قربانی می‌کنند.

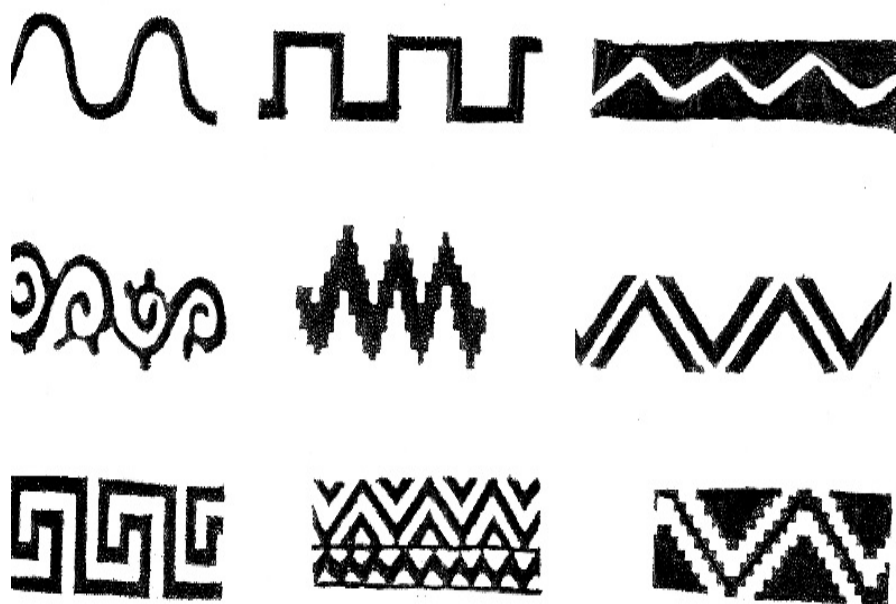
جوامع کشاورز جنبه‌های کیهانی را با نشانه‌هایی مانند ابر و خورشید می‌شناختند. این دو نشان از قدرت تغذیه‌کنندگی و باروری زمین و محصول هستند. در نگاه این مردم بارش باران‌های بهاری و تابش خورشید در فاصله میان بارش‌ها که باعث گرمی خاک و رشد گیاهان می‌شود پیوند مقدس آسمان و زمین است. در این نگاه، زمین که مادر است، بدل به همسر آسمان می‌شود تا باروری و تولد را امکان‌پذیر کند.



یکی از زنان عشایر در چادری که با انواع گلیم زینت شده است

در نوشته‌های قبایل گوک تورک<sup>۱۰</sup> از ازدواج یرسو و گوکتانری به عنوان نمادی از یگانگی خداوند و وحدت اجزای دوگانه عالم یاد شده است. مشابه این تصور در وحدت زوج‌های مقدس به نوع دیگری در خاوردور مشاهده می‌شود.

در دوره چنگ<sup>۱۱</sup> از زوجی به نام تیگ<sup>۱۲</sup> و اویتو<sup>۱۳</sup> نام برده می‌شود. تیگ خدای فراوانی است و اویتو الهه مادر است. تیگ جنبه مردانه است که زمین را باردار می‌کند. البته در این اسطوره جنبه باروری تیگ بیشتر متوجه معادن و فلزات است. در این اسطوره جنبه مردانه قوی‌تر از قدرت زنانه است و رخدادهایی مانند رعد و برق از نشانه‌های مهم به حساب می‌آیند.



نمادهای رعد و برق در گلیم

<sup>۱۰</sup> Gukturk: واژه گوک به معنای آسمان است. گوک ترک‌ها اقوام ترک آسیای میانه هستند که به یگانگی خداوند اعتقاد دارند.

<sup>۱۱</sup> Chang

<sup>۱۲</sup> Tigh

<sup>۱۳</sup> Oytu



برای گوکتورک جنبه مردانه و غالب بودن آن دارای اهمیت زیادی است. سر منشاء این تصور را می‌توان در اسطوره اولگن<sup>۱۴</sup> مشاهده کرد. اولگن خدایی در شکل یک پرنده است. مخلوق او جهانی است که در آن تنها آب وجود دارد. اولگن بر فراز این دریاها بی‌پایان پرواز می‌کند و به دنبال یک خشکی برای فرود آمدن بود. او به ناگهان صخره‌ای را مشاهده کرد که از آب بیرون زده است و این زمانی بود که الهه مادر از میان آب سر بیرون آورد. اولگن به این نتیجه رسید که لازم است تا خشکی را نیز خلق کند. اولگن در میان مردم خاورمیانه با واژه "خدای" یا "کایراکان"<sup>۱۵</sup> شناخته می‌شود و سمبل او رعد و برق است.

نماد شاخ، نشان از قدرت مردانه، استقلال و نیروی کیهانی است. در سال ۱۰۵۰ بعد از میلاد در چین، سر دسته ترک‌ها که کائو<sup>۱۶</sup> نام داشت به هنگام اجرای مراسم مذهبی، پوست یک قوچ شاخدار را روی دوش خود می‌انداخت. در همان حال مغول‌های هیتای برای نشان دادن شاهزاده‌ها از پوست یک قوچ، شاخ و دم او استفاده می‌کردند. در گلیم‌های مختلف، شاخ قوچ به عنوان نماد مردی و مردانگی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نماد الی‌بلینده که پیش‌تر در مورد آن صحبت شد در اصل به شاخ قوچ اشاره می‌کند. در میان روستائیان ترکیه تصویر یا نماد کسی که دست به کمر زده به عنوان مادر یا اومی<sup>۱۷</sup> یا آک<sup>۱۸</sup> شناخته می‌شود. این نماد، ازدواج مقدس آسمان و زمین یا وحدت دو نیروی مرد و زن را به نمایش می‌گذارد (بین و ینگ<sup>۱۹</sup>). در بعضی گلیم‌ها برای نشان دادن این مفهوم فقط از شاخ قوچ استفاده شده است.

---

Ulgen <sup>۱۴</sup>

Kayrakan <sup>۱۵</sup>

Cau <sup>۱۶</sup>

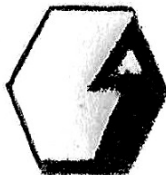
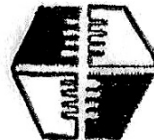
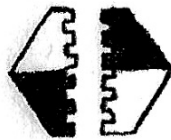
Umay <sup>۱۷</sup>

Ak <sup>۱۸</sup>

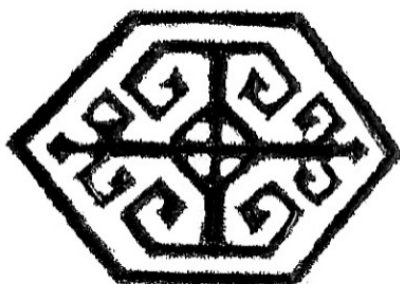
<sup>۱۹</sup> بین و ینگ به ترتیب نشان دهنده سردی و گرمی، زن و مرد، تاریکی و روشنایی و در اساس درک دوبین انسان نسبت به جهان هستی‌اند. بین و ینگ، تجلی زمین و آسمان هستند. این دو ویژگی را با نماد خاصی به صورت دایره نشان می‌دهند که نیمی از آن سفید و نیمی دیگر سیاه است. نیمه سفید نماد نشان از ینگ و نیمه سیاه نشان از بین است که در همان حال، نشان از چرخه بی‌پایان مرگ و زندگی است. در نیمه سفید نماد، یک دایره کوچک سیاه وجود دارد و در نیمه سیاه، یک دایره کوچک سفید مشاهده می‌شود تا نشان دهد که همه چیز در عالم نسبی است و هیچ چیز، مطلق نیست. نقش این سمبل در گلیم‌های آناتولی به صورت‌های مختلف مشاهده می‌شود.



نماد اصلی یین و یانگ



شکل‌های مختلف یین و یانگ در گلیم

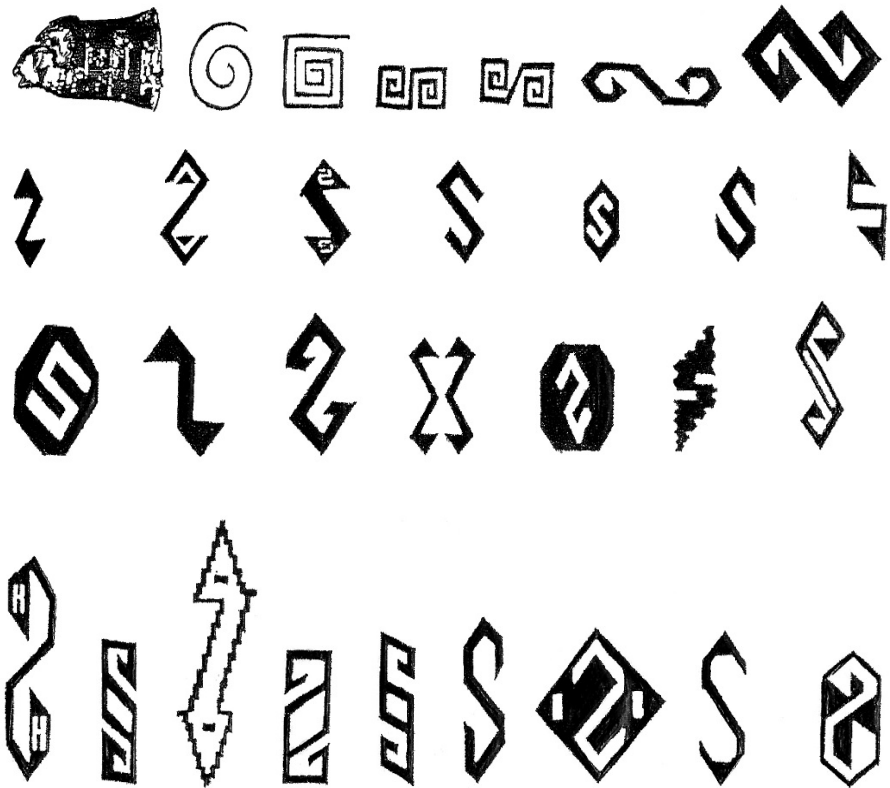


بالا: ویژگی مرد و زن به صورت درهم  
پایین سمت راست: نماد مرد یا کوچ‌بوی‌نوزو و پایین سمت چپ: الی‌بلینده یا نماد زن

شکل‌های ماریچ که در گلیم‌ها به صورت‌های مختلف مشاهده می‌شوند، معنی مشخصی دارند. سمبل‌هایی که نشان‌های جنس نر مانند شاخ قوچ را در خود دارند به منظور حفاظت از جنس ماده و حفظ توان باروری در گلیم تصویر می‌شوند.

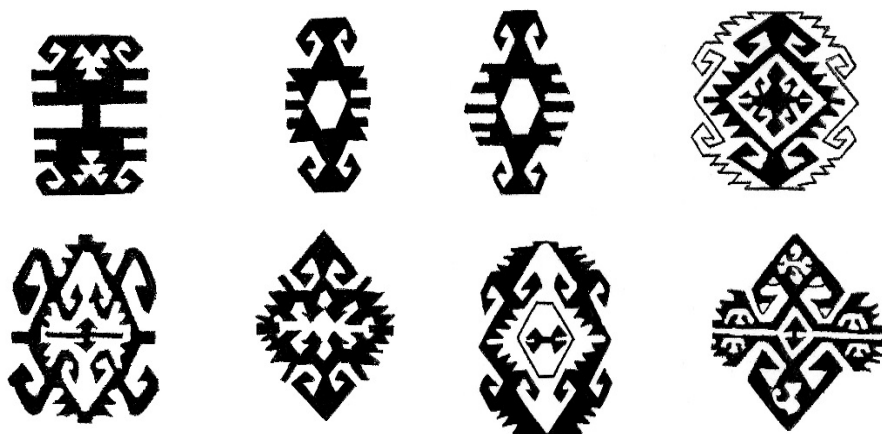
در نخجوان، زنانی که بارور نمی‌شوند به یک قبرستان باستانی می‌روند و از یک مجسمه قوچ سرخ رنگ برای باردار شدن کمک می‌خواهند. در این مراسم، زن باید بدن خود را از میان پاهای مجسمه عبور بدهد. مشابه این مراسم در آناتولی نیز وجود دارد. حتی بر روی قبر برخی مردان یک مجسمه قوچ نصب می‌شود.

نمای شاخ‌های قوچ که از روبه‌رو به صورت ماریچ مشاهده می‌شود، نماد ابدیت است. در گلیم بافی، برای نشان دادن ماریچ شاخ قوچ از شکل‌های نیش‌دار یا خاردار استفاده می‌شود در حالی که در نیمرخ تداعی‌کننده مفهوم شاخ قوچ هستند. این نماد به جز نشان دادن شاخ قوچ، به صورت مار نیز دیده می‌شود. مار، نماد نامیرایی، شفا، بخت و اقبال خوش است.



انواع مختلف شاخ قوچ از روبه‌رو و نیم رخ

یکی از سمبل‌هایی که در نزد گلیم‌بافان به عنوان محافظ و عامل دفاعی شناخته می‌شود، چنگل<sup>۲۰</sup> یا قلاب است. نماد چنگل به فراوانی در شکل زینت‌آلات مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد. چنگل همان شاخ قوچ است که فرم قلاب یا چنگال پیدا کرده است. به همین صورت، دو الی‌بلینده و دو شاخ قوچ که در مرکز به هم متصل شده‌اند شکلی مانند لوزی یا دو مثلث درهم را پدید می‌آورند که ابزار دفاع در برابر چشم زخم است. در این نماد تقارن خاصی در تصویر سازی رعایت می‌شود و همه اجزای این سمبل، قرینه هم هستند. این نماد به یکی از داستان‌های مثنوی نیز اشاره می‌کند.



تصویر شاخ قوچ و الی‌بلینده به صورت آینه

ارزن و انار هردو به عنوان سمبل‌های فراوانی و باروری شناخته می‌شوند. در یکی از روستاهای آناتولی به نام سیده<sup>۲۱</sup> تندبسی از آفرودیت پیدا شد که یک انار و مقداری انگور در دست دارد. انار، نشان از باهم بودن و اتحاد است<sup>۲۲</sup>. آفرودیت با در دست داشتن آنها، وحدت، فراوانی و برکت را نشان می‌دهد. هرودی این سمبل‌ها در متن گلیم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در روستایی به نام ایوریس<sup>۲۳</sup> در نزدیکی قونیه یک حجاری وجود دارد که قدمت آن به قرن هشتم بعد از میلاد برمی‌گردد و در آن اورپالو<sup>۲۴</sup> یا خدای باروری تصویر شده است. اورپالو کلاهی با شاخ قوچ بر سر دارد.

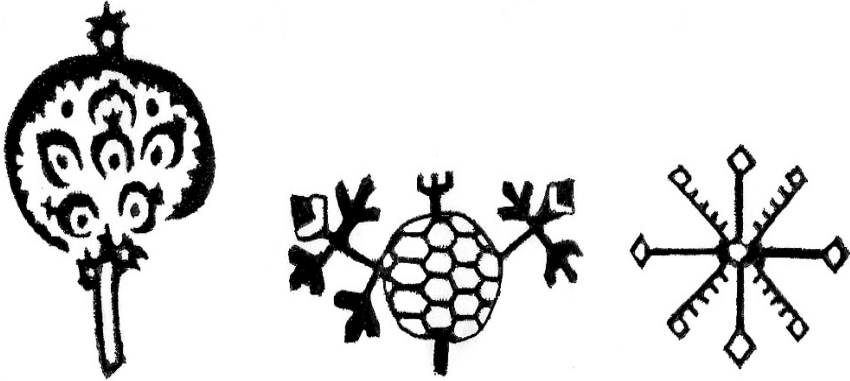
یکی دیگر از نمادهای مورد استفاده در گلیم، خشخاش است. گیاه خشخاش، دانه‌های فراوانی را در دل خود جای می‌دهد. این دانه‌ها سمبل فرزندان یا اجزای یک خانواده یا یک ملت هستند که در کنار یکدیگر و با حفظ وحدت، قدرتمند و توانا باقی می‌مانند.

Side<sup>۲۱</sup>

<sup>۲۲</sup> دانه‌های انار مانند اجزای یک خانواده در درون پوسته میوه جای دارند. رنگ قرمز درون انار نشانی از عشق و محبت است. کاربرد نقش لنار در گلیم یادآور این نکته است که در کنار وحدت و اتحاد با یکدیگر می‌توان زندگی موفق داشته داشت. اتحاد و همراهی به ویژه در زندگی عشایری و روستایی یعنی کسانی که بافندگان گلیم هستند، بسیار مهم و حیاتی است.

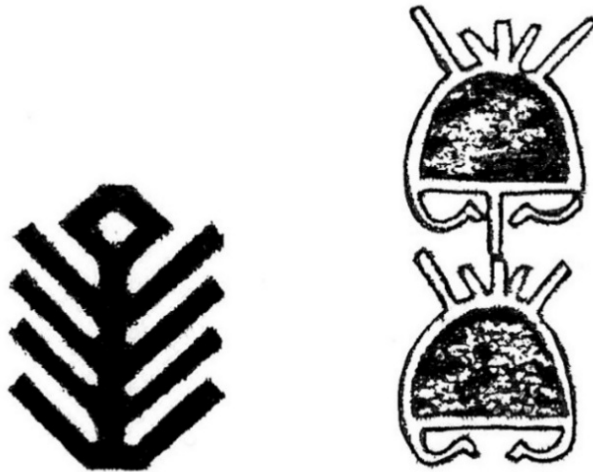
Iveris<sup>۲۳</sup>

<sup>۲۴</sup> Urpallu : او یکی از شاهان هیتایت است.



از راست به چپ: خشخاش، دو ارزن و انار

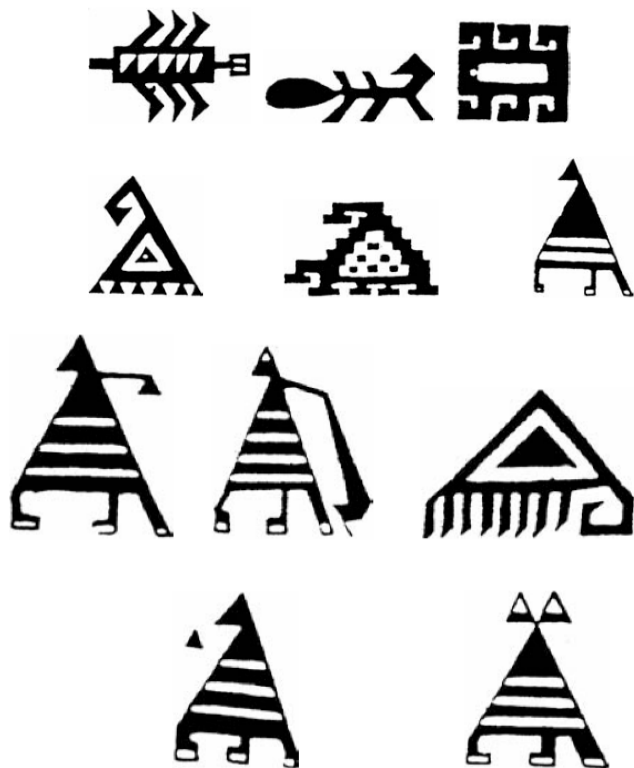
سایه‌ها و پرسپکتیوهای به کار رفته در متن گلیم فضایی باز و خالی برای قرارگیری طرح‌های مختلف و سمبل‌های گوناگون را فراهم می‌کنند. طرح گلیم و نحوه قرارگیری سمبل‌ها در متن آن به صورت انتزاعی و آرمانی امکان تبلور احساسات بافنده را فراهم می‌کند. این ویژگی گلیم را به یک اثر هنری با ارزش بدل می‌کند که بازتاب دهنده فرهنگ و زندگی بافنده آن است.



راست: خشخاش چپ: جوانه

بافندگان، تکنیک و روش بافت گلیم را از دوره کودکی فرا می‌گیرند و در زمان بلوغ و پس از ازدواج نیز ارتباط خود را با آن حفظ می‌کنند. روش بافت گلیم از مادر به دختران آموزش داده می‌شود و طرح‌های به کار رفته در متن گلیم از میراث فرهنگی خانواده و قبیله بافندگان حکایت می‌کند. بسیاری از مردم ترکیه زندگی عشایری داشتند و از محلی به محل دیگر جابه‌جا می‌شدند. گلیم زیراندازی سبک و ایده‌آل برای این منظور است.

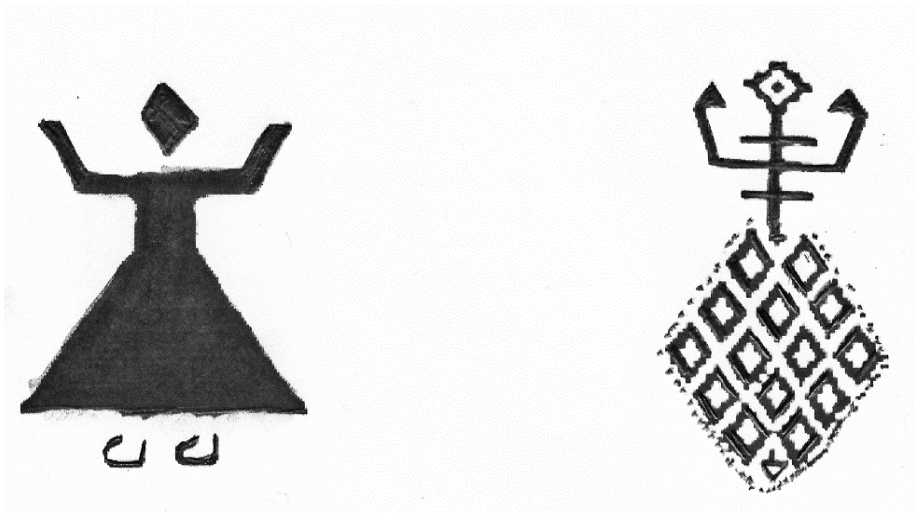
هر گلیم خواسته‌ها، آرمان‌ها، سرنوشت و مسیر زندگی بافنده خود را به نمایش می‌گذارد. در بیشتر مواقع، سمبل‌های به کار رفته در گلیم، قدرت یک جسم یا حیوان را به نمایش می‌گذارند. هنگامی که گلیم باف تصویر یا سمبل یک عنکبوت یا عقرب را در گلیم خود به تصویر می‌کشد، ترس و واهمه مربوط به آن موجود را از دل خود، روستایی که در آن زندگی می‌کند و سرزمینش دور می‌کند.



نمادهای مختلف عقرب در گلیم

زن گلیم باف از سمبل باروری برای برقرار نگه داشتن توان زایش و برقرار ماندن چرخه زندگی در محیط پیرامون خود استفاده می‌کند. ترکیب شدن نماد الی‌بلینده با کوچ‌بوی‌نوزو یادآور اسطوره قدیمی ازدواج مقدس و کیهانی است که مانند باران‌های بهاری زمین را بارور می‌کند. در همین ارتباط، مراسم مختلفی توسط کشاورزان تحت عنوان الهه مادر یا خدای آسمان اجرا می‌شود که به نیت افزایش برکت و زیاد کردن محصول صورت می‌گیرند.

اگر با وجود همه این مراسم احساس شود که الهه مادر خشمگین است و محصول به دست آمده از کشاورزی رضایت بخش نیست، مراسم دعا و عبادت را به جای آورده می‌شود و در سمبل الی‌بلینده، دست‌ها که در حالت عادی به کمر زده شده بودند به سوی آسمان بلند می‌شوند تا برای رحمت و برکت بیشتر دعا کنند. دست‌هایی که به آسمان بلند شده‌اند دست‌هایی مقدس‌اند و قدرتی جادویی پیدا می‌کنند. این قدرت اضافه انسان‌ها را از گزند نیروهای پلید محافظت می‌کنند.<sup>۲۵</sup>



نماد دست‌هایی که به سوی آسمان بلند شده‌اند

<sup>۲۵</sup> بالا گرفتن دست‌ها به معنی دعا کردن، درخواست یا تسلیم است. ممکن است در برخی گلیم‌ها بسته به شرایط زمانی که گلیم بافته شده است، دست‌ها در این شکل تصویر شده باشند.



در همه ادیان باستانی، دست، سمبل محافظت است. دست‌ها، نوعی قدرت خاص را تداعی می‌کنند. در برخی اسطوره‌ها به قدرت دست‌ها اشاره شده است. یکی از این اسطوره‌ها به ژئوس تعلق دارد که از الهه‌ای به نام ریا<sup>۲۶</sup> متولد شده است.

ریا در غاری به نام دیکته<sup>۲۷</sup> در منطقه لاکتوس یونان نوزاد خود را به دنیا آورد. او در هنگام زایمان، دست‌های خود را روی زمین قرار داد تا به این صورت با حمایت زمین از درد زایمان بکاهد. با این کار اثری از انگشتان او بر روی زمین به وجود آمد که آن را دیکتیلیس<sup>۲۸</sup> می‌خوانند که به غار دیکته، محل تولد ژئوس اشاره می‌کند. این سمبل در برخی گلیم‌های آناتولی مشاهده می‌شود.



نماد دیکتیلیس

در بخش آسیایی آناتولی، در میان اقوام ساکن در منطقه یاکودس<sup>۲۹</sup> مراسمی وجود دارد که زنان جوان با نوع خاصی دست زدن به حالتی از خلسه و خنده غیرقابل کنترل وارد می‌شوند. معنای این حالت برای مردم، حضور الهه‌ای به نام آیست است که فراوانی و باروری را با خود به همراه می‌آورد. همچنین هنگامی که زنی در حال زایمان است، مردم با حضور خود و نگه داشتن دست‌های خود به صورتی که انگشتان دست به سوی زن در حال وضع حمل اشاره می‌کنند از درد زایمان او می‌کاهند.

<sup>۲۶</sup> Rhea

<sup>۲۷</sup> Dikte

<sup>۲۸</sup> Diktilis

<sup>۲۹</sup> Yakuds

در این قبایل، برای زمان وضع حمل، چادرهای کوچکی از تکه‌های چوب درست می‌شوند. این چوب‌ها از ساحل دریا جمع‌آوری می‌شوند. بر روی این چوب‌ها تصویرهایی از خورشید، ماه و گوزن‌هایی به رنگ قرمز کشیده می‌شود تا الهه مادر را برای کمک به شخص درحال زایمان فرا بخواند. سپس چادرها در هنگام زایمان به آتش کشیده می‌شوند.<sup>۳۰</sup>

در این قبیله رسم مشابهی در مورد ساختمان‌ها و بناها وجود دارد. هنگامی که بنا یا خانه جدیدی ساخته می‌شود برای اینکه بدانند این بنا خوش‌یمن است یا بدقدم، یک نفر از افراد قبیله دستکشی را به هوا می‌اندازد. اگر هنگامی که دستکش به زمین می‌رسد کف دست آن به سوی بالا باشد نشان از بدقدمی ساختمان است و اگر روی آن به سمت زمین باشد نشان از خوش‌قدمی بنا است. در صورتی که کف دست رو به بالا باشد آنقدر دستکش را به هوا پرتاب می‌کنند تا بالاخره کف دست به صورت روبه‌پایین به زمین برسد.



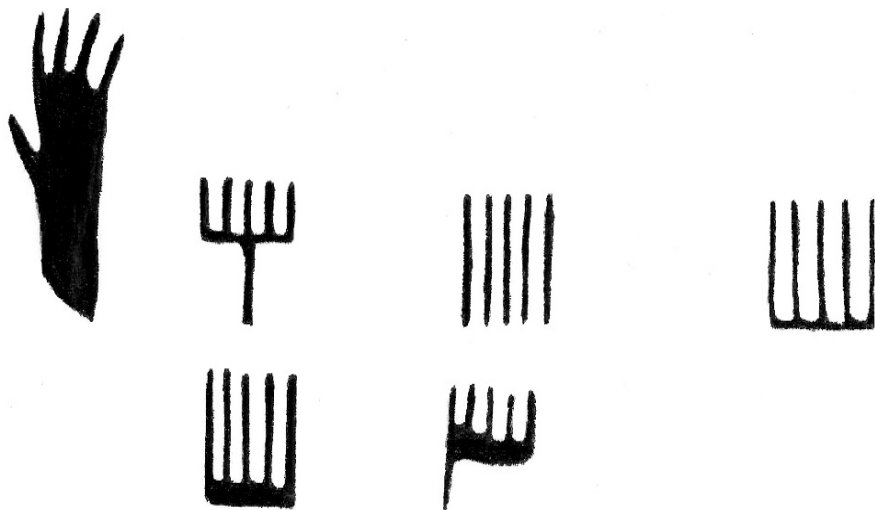
شمن که دستکش‌ها را در هوا رها می‌کند

<sup>۳۰</sup> یکی دیگر از سنت‌های رایج در میان عشایر ترک این است که هنگام زایمان یکی از زنان قبیله، دو قوچ را در مقابل هم قرار می‌دهند تا باهم بجنگند. آنها اعتقاد دارند که جنگ قوچ‌ها و صدایی که از برخورد شاخ آنها به هنگام نبرد شنیده می‌شود نوعی نیروی مردانه و توان اضافی برای زن درحال‌زایمان فراهم می‌کند تا بتواند فرزند خود را با درد کمتری به دنیا آورد.

یک رسم دیگر، روشن کردن آتش در محلی از بنا است که قرار است بعداً تنور یا آتشگاه ساختمان باشد. افراد قبیله بعد از روشن کردن آتش مراسم دعا به جای می‌آوردند تا بنا و گرمی درون آن را از گزند نیروهای پلید دور کند. این آتش نشان از فراوانی و برکت در گله و احشام است و همواره روشن نگه داشته می‌شود.

یکی دیگر از نقش‌های مهم که در گلیم به کار می‌رود، طرح دست است. بافتن نقش دست در گلیم به معنی امضاء کردن گلیم توسط بافنده است. نماد دست می‌تواند به دست حضرت فاطمه (س) اشاره کند. در میان برخی اقوام ترکیه تصویر دست در گلیم اشاره به امام حسین (ع) و چهار فرشته مقرب مسلمانان یعنی میکائیل، جبرئیل، اصرافیل و عزرائیل دارد.

در میان برخی دیگر از اقوام، سمبل دست به پیامبر اسلام و چهار خلیفه بعد از ایشان یعنی ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت علی (ع) اشاره می‌کند. همچنین نماد دست به پنج نوبت نمازهای روزانه و پنج رکن دین اسلام اشاره می‌کند. بنا بر دلایل گفته شده در بالا، نماد دست به منظور دفاع در برابر نیروهای پلید و بدشگون در طرح گلیم بافته می‌شود. طرح دست به مرور زمان به طرحی تازه بدل شد و در برخی گلیم‌ها تنها به صورت پنج نقطه تصویر می‌شود.



شکل های مختلف دست

نماد دست به شکل وسیعی در گلیم‌های بافته شده در منطقه "دو" در حوالی آنتالیا مشاهده می‌شود. بافندگان گلیم در این منطقه، این نقش را به نام "پنج سنگ" می‌شناسند. پنج سنگ نام یک بازی است که در میان مردم منطقه اوسیلیت<sup>۳۱</sup> رواج دارد. گرچه ممکن است بسیاری از مردم منشاء سمبل پنج را به فراموشی سپرده باشند.

یکی دیگر از نمادهای قابل مشاهده در گلیم، چشم است. هدف از نشان دادن نماد چشم در گلیم، دور کردن چشم زخم، شوربختی و پلیدی است. در بسیاری از تندیس‌های قدیمی، چشم را به صورت یک مثلث نشان می‌دادند که درون یک مربع یا مستطیل همراه با ضربدر قرار گرفته بود. نقطه مرکزی ضربدر چشم زخم را به خود جذب و نیروی پلید آن را در چهار جهت پراکنده می‌کند. قدمت ضربدر یا صلیبی که به صورت نماد در تندیس‌ها به کار رفته‌اند بسیار پیش از میلاد مسیح است.<sup>۳۲</sup>

چهار گوشه یا چهار جهت ضربدر یا صلیب به چهار فصل سال و چهار جهت اصلی جغرافیایی اشاره می‌کند. اقوام باستانی ترک هریک از فصل‌ها را با حیوانات و رنگ‌های مختلف نشان می‌دادند.

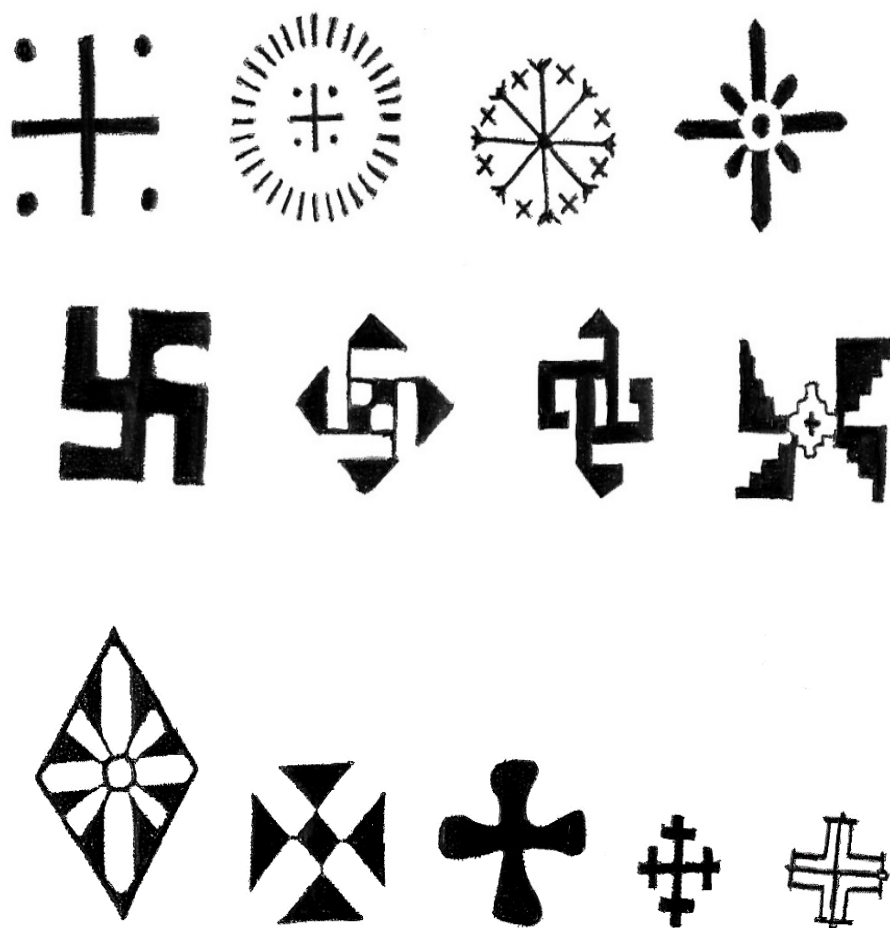
<sup>۳۱</sup> Osselet

<sup>۳۲</sup> اشاره نویسنده به قدمت صلیب پیش از میلاد مسیح در واقع اشاره به سمبل سواستیکا (Swastika) به زبان سانسکریت یا چلیپا به زبان فارسی است. نمادی که در ایران و هند به عنوان نماد خجستگی شناخته می‌شود و آن را گردونه مهر نیز می‌نامند. در ترکیه آن را به نام چرخ‌وفلک می‌شناسند.

چلیپا دارای چهار ضلع یا گوشه است. هریک از این چهار جهت به چهار عنصر سازنده محیط و بدن انسانها یعنی باد، آب، خاک و آتش اشاره می‌کنند که در طب سنتی آنها را با نام صفرا، دم، بلغم و سودا می‌شناسیم. چهار فصل سال، چهار جهت جغرافیایی و چهار فرشته ناظر بر اعمال انسان از تعبیر دیگر این سمبل هستند.

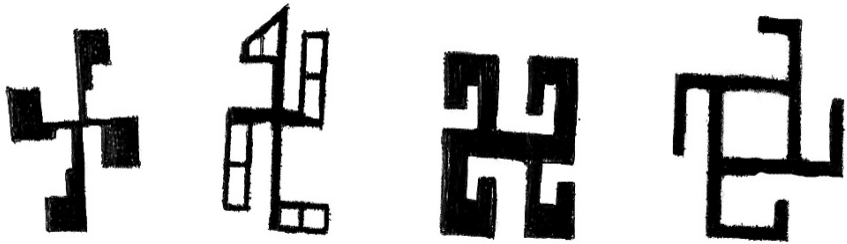
واژه صلیب در واقع معرب واژه چلیپ فارسی است. گردونه مهر در زمان‌های قدیم به صورت زینت آلات مورد استفاده قرار می‌گرفته تا شخص را از نگاه بد و پلید محافظت کند. این نماد بر روی وسایل منازل یا ورودی بناها نیز نصب می‌شود. چلیپا را می‌توان در بسیاری از کاشی‌های مساجد و در میان واژه‌های به کار رفته در تزئین گنبدها و دیوارها مشاهده کرد. به عنوان مثال در آرامگاه بایزید بسطامی، واژه‌های "علی" با کمک چلیپا به هم وصل شده‌اند.

در کاشیکاری برخی از مساجد واژه‌های الله با کمک چلیپا به هم وصل می‌شوند. اگرچه کاربرد آن امروزه در ایران کمتر شده است اما مردم هند هنوز از آن به عنوان نمادی مقدس استفاده می‌کنند. برای اطلاعات بیشتر در این مورد این سمبل به کتاب "نشان راز آمیز" نوشته دکتر نصرت الله بختورتاش مراجعه کنید.



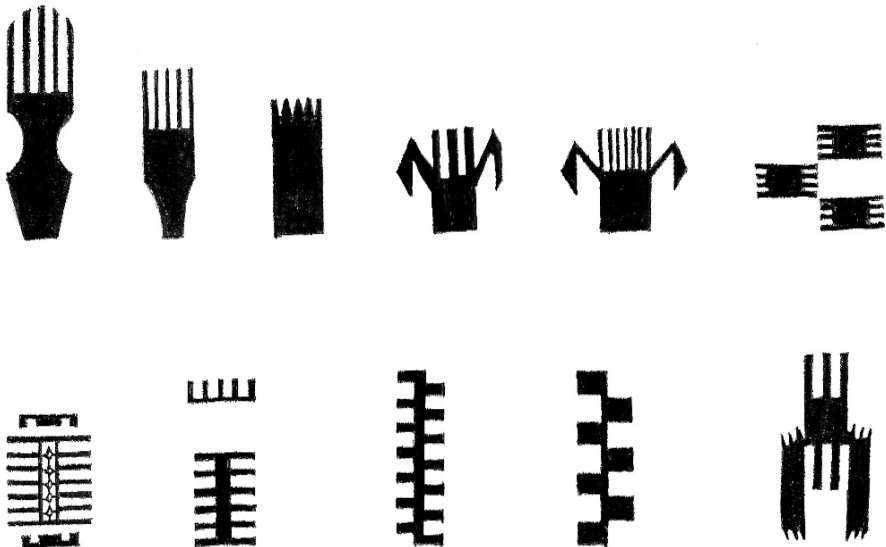
شکل‌های مختلف چلیپا یا چرخ‌وفلک که در گلیم مشاهده می‌شود

در ترکیه باستان، زمین و آسمان کشور به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شدند که هر کدام از این بخش‌ها به صورت نمادین با یک حیوان و یک رنگ از باقی بخش‌ها جدا می‌شدند. در ابتدا این چهار بخش را با یک صلیب نشان می‌دادند که بعدها یک ستاره پنج‌پر جای نماد صلیب را گرفت و رنگ زرد که بی‌اثرکننده پلیدی است در مرکز ستاره جای داده شد.



نقش‌های دیگری از چلیپا در گلیم

دو نماد مهم دیگر در گلیم، عقاب (عنقا) و شانه (تاراک)<sup>۳۳</sup> هستند. هر دوی این نمادها به عدد پنج و انگشتان دست اشاره می‌کنند. هدف از نشان دادن این نمادها در گلیم، محافظت در برابر نیروهای پلید به ویژه هنگام تولد نوزادان یا ازدواج است.



انواع شانه (تاراک)

<sup>۳۳</sup> واژه Tarak یا تاراق به معنی شانه است. شانه در مرتبه نخست همان نماد دست است که کهن‌ترین تعبیر آن دست الهه مادر است. دستی که از پشت سر، شخص را حمایت می‌کند یا دستی که برای حفاظت روی سر کسی گذاشته می‌شود.



نماد عقاب در گلیم

طرح دایره در نقشه گلیم، نماد خورشید است. در باورهای کهن، غلبه روز بر شب و پایان تاریکی باعث به وزش درآمدن بادها در سطح زمین می‌شود. باد، در باورهای مردم خاور دور نشان از توان نفس کشیدن و سرآغاز حیات است. بادها چهار نوع هستند.

یکی دیگر از سمبل‌هایی که در برخی گلیم‌ها مشاهده می‌شود اژدها است. ریشه این سمبل به اسطوره‌های چینی و مغلولی برمی‌گردد. اژدها دربان بهشت بود و نماد آسمان محسوب می‌شود. اما در همان حال گاهی کارهایی از روی نادانی انجام می‌داد. او روزی شیطان را به بهشت راه داد و برای همین باید تنبیه می‌شد. پس دست و پای او را قطع کردند. او بدل به مار و به زمین تبعید شد.

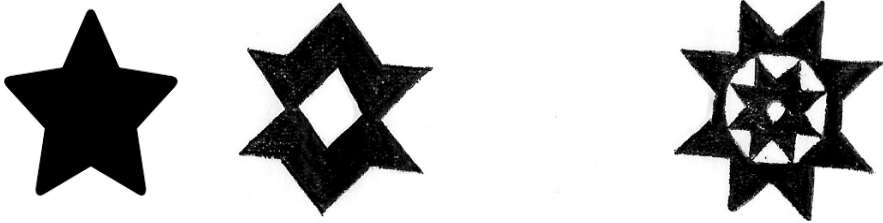


نماد اژدها

در باورهای گوکتورک آسمان به هفت تا نه طبقه تقسیم می‌شود و الهه‌ها در طبقه‌های سوم و پنجم جای دارند. در طبقه سوم این آسمان دریاچه‌ای به نام آکسوت<sup>۳۴</sup> قرار دارد که زندگی انسان‌ها و بقای ارواح به آن وابسته است. در طبقه پنجم این آسمان الهه‌ای جای دارد که مراقب دریاچه آکسوت یعنی محل حضور ارواح است.

بر اساس این اسطوره می‌توان فرض کرد که اعداد ۳ و ۵ رابطه‌ای با جنبه‌های زنانه و مادرانه دارند. عدد ۳ به توان زایش و تولد دادن اشاره می‌کند. بنابراین ستاره شش پر که از ترکیب دو مثلث (عدد ۳) ساخته می‌شود به الهه مادر و رابطه او با باروری، فراوانی و دور کردن چشم زخم اشاره می‌کند.

یکی دیگر از طرح‌های قابل مشاهده در گلیم، نماد ستاره است. در همه گلیم‌های آناتولی، نماد ستاره نشان از صحت و سلامت است و هیچ ارتباطی با آسمان ندارد. سه نوع نماد ستاره در گلیم‌ها قابل مشاهده است: ستاره پنج پر که نماد حضرت سلیمان (ع) است، ستاره شش پر که نماد حضرت داود (ع) است و ستاره هشت پر که نماد حضرت ابراهیم (ع) است.



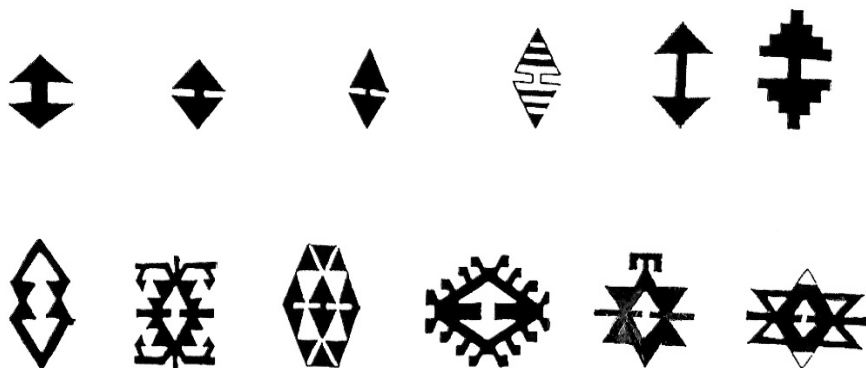
راست مهر حضرت ابراهیم (ع)، وسط مهر حضرت داود (ع) چپ: مهر حضرت سلیمان (ع)

ستاره پنج‌پر که آن را مهر سلیمان می‌نامند افراد را از چشم زخم و پلیدی دور می‌کند. بافتن ستاره پنج پر در طرح گلیم بسیار مشکل است. برای همین امروزه به ندرت می‌توان آن را در گلیم‌های جدید مشاهده کرد. در بیشتر موارد نیز طرح ستاره پنج پر نا متقارن از کار در می‌آید. برای همین بیشترین ستاره‌هایی که در گلیم‌ها مشاهده می‌شوند، شش یا هشت پر هستند.

<sup>۳۴</sup> آکسوت (aksut) یا آق سوت به معنای شیر سفید

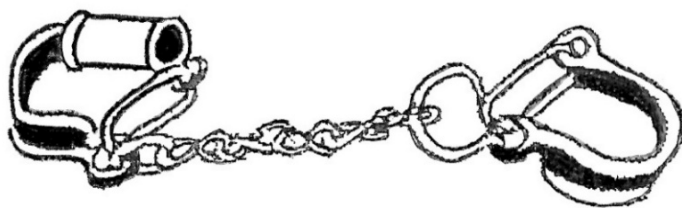


نماد ستاره‌های پنج‌پر همچنین به پنج انگشت دست نیز اشاره می‌کنند. این نماد در گلیم‌های بافته شده در ناحیه دوزمه‌مالتی<sup>۳۵</sup> در آنتالیا دیده می‌شود که به بازی پنج‌سنگ اشاره می‌کند. برای نشان دادن توان باروری و قدرت زایش الهه مادر یک مثلث بر روی ناحیه جنسی تندیس‌های او تصویر می‌شده است. در برخی مواقع نوک مثلث رو به بالا و گاهی رو به پایین قرار می‌گیرد. مثلث رو به پایین نشان از قدرت زمینی و زنانه و مثلث رو به بالا نشان از قدرت مردانه یا آسمانی است. بنابراین تلاقی این دو مثلث، نماد ازدواج مقدس و سبیل وفاداری در ازدواج است. دو مثلث متصل به هم که گاهی در بافت گلیم‌ها تصویر می‌شوند، سمبل وفای به عهد و یگانگی در ازدواج هستند.



نمادهای وفاداری در ازدواج

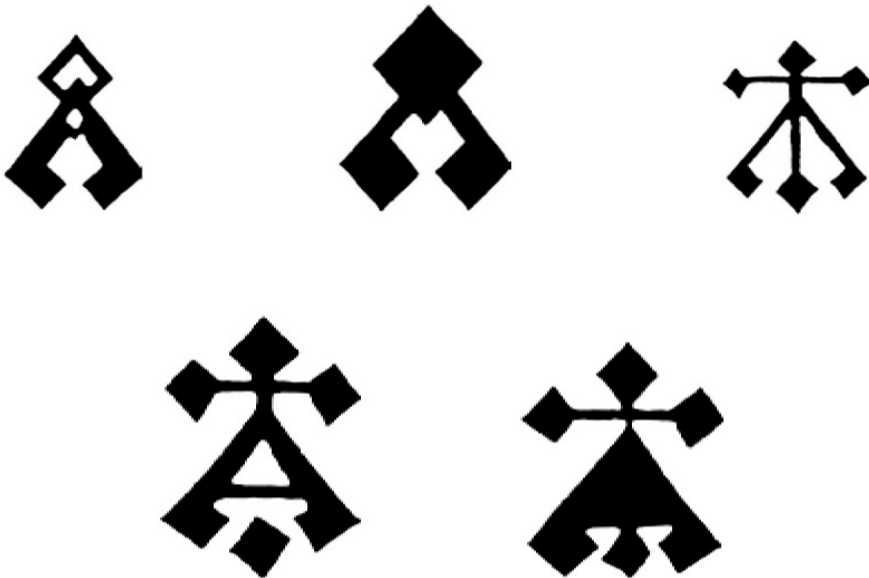
یکی دیگر از نمادهایی که در گلیم‌ها آورده می‌شود، پابند است. پابندها به نیت تحکیم ازدواج و مانعی برای هر نوع عهد شکنی تصویر می‌شوند.



پابند، نمادی برای پرهیز از عهد شکنی

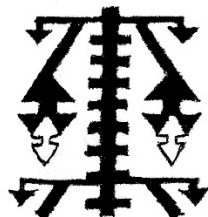
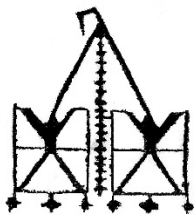
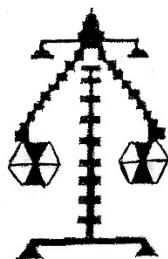
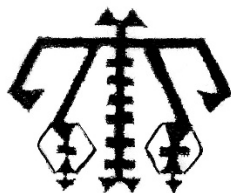
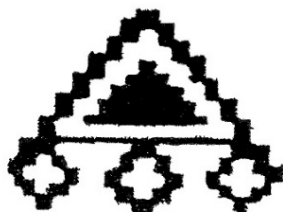
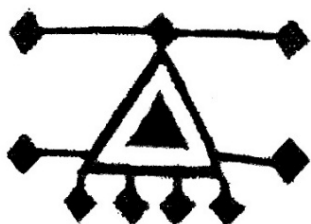
طرح‌های دایره در گلیم نشان از حرکت و چرخش دائم ستارگان و آسمان است که آغاز و پایانی ندارد. به عبارتی این طرح‌ها نشان می‌دهند که مسیر زندگی خطی نیست بلکه دایره‌وار و همواره در حال گردش است. در این دیدگاه، جزئی از یک دایره یا حلقه بودن، فرد را در نوعی پوشش محافظتی قرار می‌دهد. دایره ممکن است به صورت یک حلقه، کمر بند، تاج یا گردن‌بند به نمایش در آید. همانطوری همواره زینت آلات گوناگونی با طرح‌های دایره و حلقه مورد استفاده مردم قرار می‌گیرند.

یکی از انگیزه‌های به کار بردن شکل‌های حلقه مانند یا دایره، اعتقاد به نقش دفاعی آنها در برابر نیروهای بدشگون است. به همین منظور در آنتولی بر روی لباس‌های عروس نقش‌هایی به صورت دایره‌های طلایی رنگ تصویر می‌شود. همین ویژگی در طراحی گوشواره‌ها نیز مشاهده می‌شود.<sup>۳۶</sup>



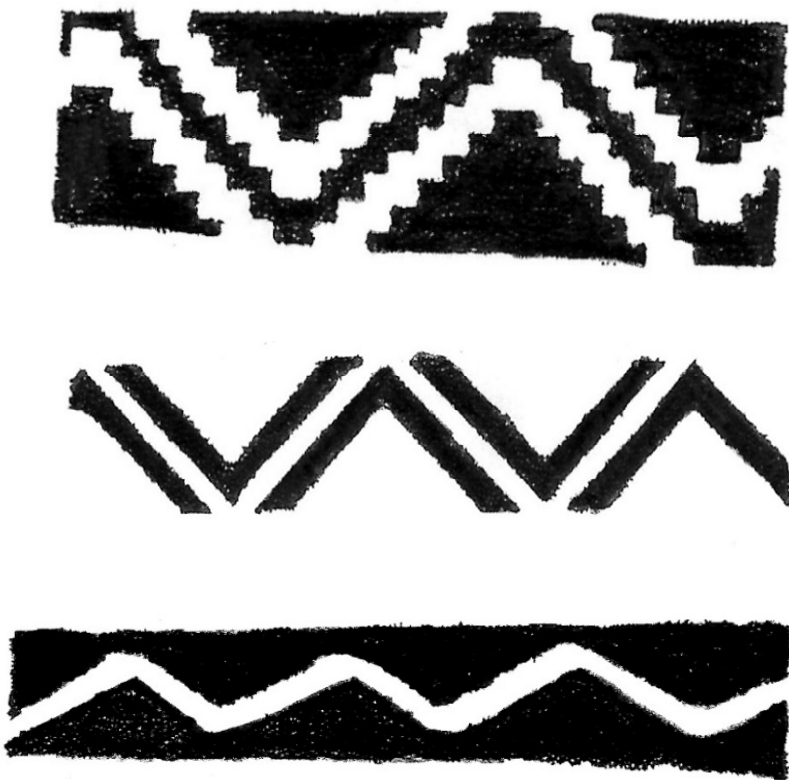
انواع طرح گوشواره در گلیم

<sup>۳۶</sup> از دید این مردم آویزان کردن گوشواره راهی برای منحرف کردن توجه افراد از رخ و صورت شخص است تا شورچشمی و نظر بد متوجه آنها نشود. به علاوه گوشواره به معنی پابندی به عهد و قرار و تعهدی است که شخص در زندگی با خود یا دیگران بسته است. این یکی از انگیزه‌های کاربرد طرح گوشواره در گلیم است.



انواع طرح گوشواره در گلیم - چهار طرح پایین در همان حال که نماد گوشواره هستند، ترازو یا میزان عدالت را نیز نشان می‌دهند. میزان، سمبل تعادل در زندگی و تعادل در سردی و گرمی است

یکی از روش‌های به تصویر کشیدن الهه مادر در گلیم، تندیس‌هایی از پیکر انسان در قالب درخت است. در اسطوره اگزوبوتوف در میان یاکوت‌ها<sup>۳۷</sup> چنین نقل می‌شود که درخت زندگی که مادر و تغذیه کننده همه موجودات است، پیکری بسیار بزرگ و تنومند داشت. ریشه‌های این درخت به دور زمین تندیده شده بودند و سر شاخه‌های آن به هر نه فلک می‌رسید. در زیر این درخت آب حیات روان بود که ریشه‌های آن را سیراب می‌کرد. این آب حس جوانی، تازگی و نیروی باروری را به درخت زندگی هدیه می‌کرد. این درخت صاحبی داشت. صاحب آن پیرزنی بود با موهای سفید چون برف که سه سینه گرد همچون بدن کبک داشت. نماد آب حیات ریشه در اسطوره‌های یونانی دارد.



نمادهای آب حیات در گلیم

<sup>۳۷</sup> یاکوت‌ها یکی از اقوام ترک هستند.

در بافت برخی گلیم‌ها، با نمادی به نام درخت زندگی روبه‌رو می‌شویم. درخت زندگی شاخه‌های خود را به سوی آسمان می‌گستراند. درخت، سمبل زندگی و تمام باورها و اعتقادات انسانی است. یکی از اسطوره‌های معروف در این زمینه افسانه گیلگمش<sup>۳۸</sup> است که تلاش دائمی انسان برای یافتن درخت زندگی و آب حیات را نشان می‌دهد.

در نقشه بعضی گلیم‌ها طرح‌هایی از درختان زیبا و تنومند با میوه‌های فراوان در کنار نهر آب و سنگ‌های مختلف مشاهده می‌شود که به همان درخت زندگی اشاره می‌کند. این نوع طراحی و فضاهای سبز مربوط به آن اسطوره درخت زندگی و پیرزن مراقب آن به یاد می‌آورند. درخت زندگی به مانند فرمانروای بیشه‌ای است که انسان‌ها و حیوانات همگی در کنار هم در آن به زندگی مشغولند. پرندگان، شیرها، ببراها و مارها همگی در این بیشه زندگی می‌کنند و از برکت و فراوانی درخت زندگی بهره می‌برند. ممکن است بتوان تصویر این حیوانات را در کنار درخت زندگی در بافت گلیم مشاهده کرد.

الهه مادر، نشانه و نماد خیر و شر، زندگی و مرگ و تمام تجربه‌های تلخ و شیرین زندگی است. در میان درختان مختلف، درخت گلابی نمادی از عمر جاودانه و درخت زندگی است. این درخت نماد تولد همه تمدن‌ها بشری است همانطوری که معبد آرتمیس<sup>۳۹</sup> منشاء حیات برای افیسی بود است.

در میان سومریان الهه‌ای که سمبل باروری و فراوانی است "اینانا"<sup>۴۰</sup> نام دارد که "دوموزی"<sup>۴۱</sup> همسر و عاشق اوست. اینانا در اسطوره سومریان معادل همان پیرزن سپید موی است.

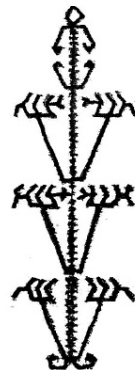
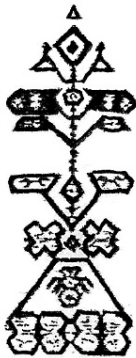
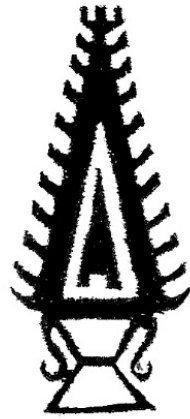
<sup>۳۸</sup> گیلگمش (Gilgamesh): نام پادشاهی است بسیار مغرور که کسی را بالاتر از خود قبول نداشت. خدایان برای تنبیه او تصمیم گرفتند تا شخصی به نام انکیدو (Enkidu) را که مردی بسیار قدرتمند بود به نزد او بفرستند تا با او بجنگد و مانع از قدرت گرفتن او شود.

بعد از چند بار جنگ میان این دو که برنده‌ای نداشت، آنها باهم دوست می‌شوند. بعد از مرگ انکیدو، گیلگمش به کلی تغییر می‌کند و سعی می‌کند تا واقعیت‌های زندگی را به درستی درک کند. او سمبل کسی است که به دنبال جاودانگی است.

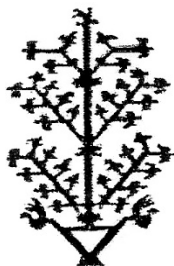
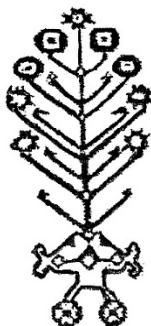
<sup>۳۹</sup> آرتمیس نام معبد بزرگی است که در مرکز افیسی قرار دارد. افیسی در ترکیه امروزی واقع شده است. ساختمان اصلی معبد به صورتی ساخته شده بود که نمادی از همان درخت زندگی باشد.

<sup>۴۰</sup> Inanna

<sup>۴۱</sup> Dumuzi



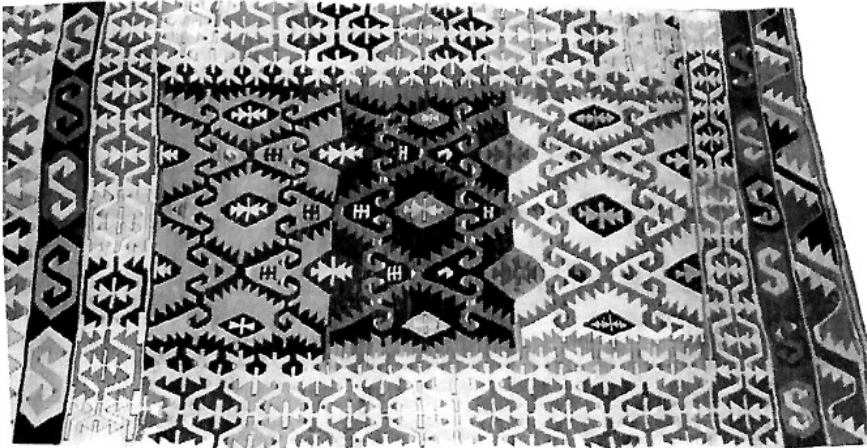
طرح‌هایی از درخت زندگی در بافت گلیم



طرح‌های دیگری از درخت زندگی

در اسطوره‌های مصری قصه‌ای مشابه وجود دارد. از خدای آسمان و خدای زمین دختری به نام ایزیس<sup>۴۲</sup> و پسری به نام اوزوریس<sup>۴۳</sup> متولد می‌شوند. این دو فرزند، مسن‌ترین خواهر و برادر خانواده بودند. آنها باهم ازدواج می‌کنند. برادر جوان به این دو حسادت می‌کند و اوزوریس را می‌کشد. ایزیس به دنبال رنج از دست دادن همسر به جست و جوی راز جاودانگی و درخت زندگی مشغول می‌شود.<sup>۴۴</sup>

ترک‌های آسیای صغیر آتش داخل خانه را مقدس می‌دانستند و ضمن جمع شدن به دور آتش، مناجات می‌کردند و دعا می‌خواندند و در همان حال بذر و دانه‌های غلات را به درون آتش می‌انداختند. هدف دعا و مناجات‌ها عمدتاً درخواست خیر و برکت در کسب کار و کشاورزی و محصولات به دست آمده از آن بود.



گلیمی با طرح‌های شاخ قوچ، مار، الی‌بلینده و نمادهای وفاداری

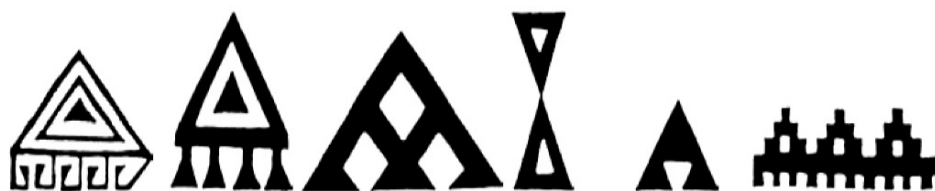
<sup>۴۲</sup> Isis

<sup>۴۳</sup> Osiris

<sup>۴۴</sup> آنچه در تمام این اسطوره‌ها مشترک است، عشق میان دو عاشق، از دست رفتن یکی و تلاش شخص باقی مانده برای رسیدن به زندگی ابدی و عمر جاودانه است که درخت زندگی سمبل آن محسوب می‌شود.

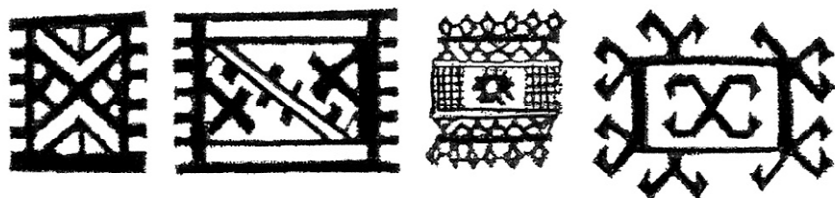


در باورهای مردم ترک به خصوص زنان، مقابله با چشم زخم اهمیت زیادی دارد. چشم زخم می‌تواند نگاهی تند و بدشگون باشد که اغلب کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در برخی گلیم‌ها می‌توان نوعی نقش به نام موسکا<sup>۴۵</sup> یافت. موسکا بخشی از آیات قرآن است که روی کاغذی نوشته می‌شود و سپس به ترتیبی تا می‌شود که به صورت یک مثلث درآید. از آن برای محافظت و دور کردن پلیدی استفاده می‌شود.

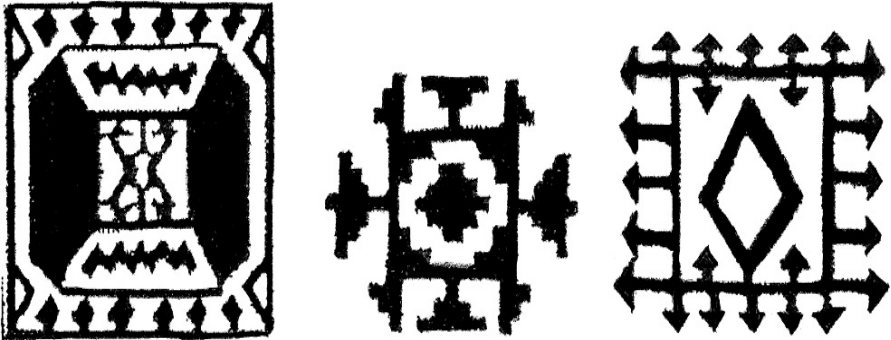


انواع موسکا

طبق سنت‌ها و رسوم مردم ترک، هر دختری باید محلی پنهان و مخفی برای نگاه‌داری از خواسته‌های خود داشته باشد که آن را ساندیک می‌نامند. این دخترها انواع مختلف زیور آلات را به خود آویزان می‌کنند. هنگامی نماد جعبه یا صندوق (ساندیک) در طرح گلیم نشان داده می‌شود به خواسته‌های مهم دختر مثل ازدواج یا داشتن فرزند پسر اشاره می‌کند. ساندیک همچنین به تابوت‌های فراعنه اشاره می‌کند که آن نیز محلی برای پنهان کردن خواسته‌ها است.



چند طرح از ساندیک



انواع دیگری از ساندیک

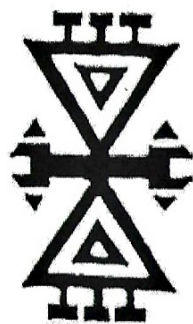
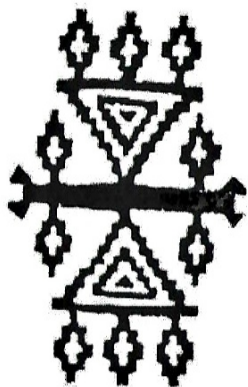
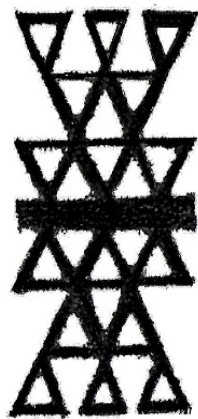
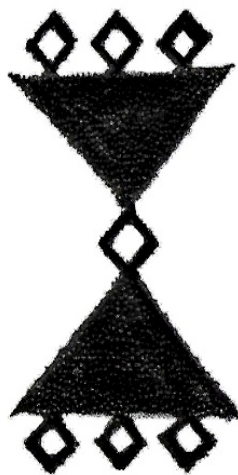
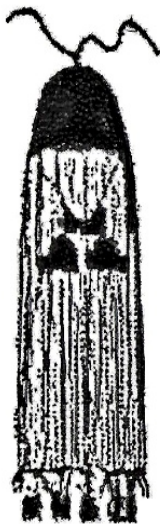
یکی از سمبل‌های قابل مشاهده در گلیم بلیک<sup>۴۶</sup> نام دارد. این نماد اغلب در هنگامی که عقد و ازدواج در خانواده بافنده گلیم جریان دارد، در طرح گلیم به کار می‌رود. طرح بلیک گاهی با کمک موهای زن بافنده گلیم درست می‌شود<sup>۴۷</sup>.

چنانچه زن بافنده بیوه باشد هرگز موی خود را برای بافت گلیم مورد استفاده قرار نمی‌دهد. امروزه کمتر می‌توان طرح بلیک را در گلیم‌ها پیدا کرد. اگر هم بتوان آن را پیدا کرد بیشتر به زندگی ابدی و نامیرایی اشاره می‌کند.

زنان آناتولی سال‌های سال از سمبل‌هایی مانند آنچه گفته شد برای بیان خواسته‌های پنهانی خود استفاده می‌کردند که حتی همسران آنها نیز از آنها اطلاعی نداشتند.

<sup>۴۶</sup> Belik به معنی امضاء است. در ترکیه دختران مجرد، موهای خود را می‌بافند و به انتهای آن روبان‌های رنگی آویزان می‌کنند. در گلیم، طرح بلیک این رفتار و خواسته دختر مجرد برای ازدواج را نشان می‌دهد.

<sup>۴۷</sup> یکی از علت‌های قرار دادن طرحی به نام بلیک در گلیم، امضاء کردن آن توسط بافنده است. استفاده از موی سر که جزئی از بدن شخص بافنده گلیم است، تلاشی است برای برقرار نگه داشتن یک اعلام، آرزو یا خواسته‌ای برای ابدیت. به عبارتی بافنده قسمتی از بدن خود را با گلیمی که حاصل دسترنج و اثر هنری او است برای همیشه همراه می‌کند. مثل اینکه بافنده به گلیم خود اعلام می‌کند که: "بعد از مرگ من، تو خواسته و آرزوی من را برقرار نگه دار". بلیک ممکن است در شکل و قالب کلاه، موهای بافته شده که روبانی به آن آویزان است، یا هر نوع طرحی که مورد نظر بافنده باشد به اجرا در آید.



انواع مختلف کلاه یا بلیک در متن گلیم

با گذشت زمان و ورود اسلام به ترکیه، طرح‌های به کار رفته در گلیم‌ها به سوی مفاهیم اسلامی گرایش پیدا کردند. به عنوان مثال ستون‌های محراب که جهت قبله در گلیم را نشان می‌دهند در اصل، پاهای الهه مادر هستند. به همین ترتیب شکل چادرهای عشایری در بافت گلیم در مفهوم اسلامی به درهای ورود به بهشت اشاره می‌کند. امروزه سمبل‌های به کار رفته در گلیم در جهت هماهنگی با مفاهیم اسلامی تعبیر می‌شوند و بسیاری از آنها مفاهیم نخستین خود را از دست داده‌اند.



شکل‌های مختلف محراب در گلیم

در زمان‌های قدیم گلیم بافی با احساس عمیق و قوی زنان بافنده انجام می‌شد. گلیم در حال بافت هرگز به غریبه‌ها نشان داده نمی‌شد چون یک تاریخچه شخصی و خصوصی بافنده محسوب می‌شد. عشایر هرگز گلیمی به کسی نمی‌فروختند مگر آنکه معنای سمبل‌های نقش بسته در متن گلیم را برای خریدار بیان می‌کردند.

معنای برخی از سمبل‌ها قابل درک نیستند و در برخی موارد نیز درباره مفهوم سمبل‌ها غلو شده است. به عبارتی در برخی گلیم‌ها، نقش‌ها فقط نقش هستند و مفهوم خاصی ندارند و تنها برای زیباسازی گلیم در بافت آن به کار رفته‌اند. در این حالت بافنده یا فروشنده فقط نامی را برای سمبل یا نماد بیان می‌کند بدون اینکه آن سمبل به واقع بیان‌کننده آن منظور باشد.

## کلام پایانی

روزی رئیس یک قبیله عشایری گلیمی را پیدا کرد که مقابل ورودی چادر او رها شده بود. او با دقت به گلیم و جزئیات آن توجه کرد. بعد درخواست کرد تا که پدر دختری که گلیم را بافته بود به نزد او بیاورند. او به پدر دختر گفت: دختر تو راضی به ازدواج با کسی که تو برای او در نظر گرفتی نیست. او به شخص دیگری علاقه دارد. پدر دختر که حیرت کرده بود در پاسخ گفت: بعد از سال‌ها مرد ثروتمندی از دختر من خواستگاری کرده است و چون من خیلی فقیر هستم از دخترم خواستم که به این ازدواج تن در دهد. من فکر می‌کنم که این تصمیم درستی است ولی دختر من می‌گوید که این مرد مانند یک خون آشام است.

رئیس قبیله به مرد گفت: آن چه که من در گلیم بافته شده توسط دخترت می‌بینم احساس ناخرسندی از این وصلت است. من چند شتر و اسب به تو می‌دهم تا دخترت بتواند با کسی که دوست دارد ازدواج کند. در ضمن به دخترت بگو که کار گلیم بافی‌اش خیلی خوب است ولی بهتر است کمتر از رنگ سبز در همراهی با قرمز استفاده کند.

داستان دیگری از مردم اطراف قونیه نقل شده است که دختری عاشق پسر سلطان شده بود بدون اینکه او را دیده باشد. روزی دختر مشغول بافتن گلیم بود. درویشی از آن محل می‌گذشت. درویش به گلیم نگاهی کرد و به دختر گفت: "تو یک اشتباه مرتکب شدی". اما دختر معنای حرف درویش را نفهمید. روزی شاهزاده که مشغول سواری بود از اسب به زمین افتاد و به دلیل جراحاتی که برداشته بود از هوش رفت. همان دختر گلیم‌باف با کمک داروهای گیاهی که در دسترس داشت به او کمک کرد و زخم‌های او را شفا داد. به دنبال این آشنایی این دو با هم ازدواج کردند. هنگامی که مراسم عروسی در جریان بود، سروکله همان درویش پیدا شد. عروس به سراغ او رفت و از او پرسید که اشتباه او چه بود است. درویش در پاسخ گفت: تو در گلیمی که می‌بافتی گفته بودی که شاهزاده تو را دوست ندارد در حالی که این چنین نبود. این نکته‌ای بود که سعی کردم آن روز به تو بگویم، حالا می‌بینی که با همان شخص ازدواج کردی.

## فهرست الفبایی واژه‌ها و نام‌ها

محراب .....	۴۰	آب حیات .....	۳۲
موسکا .....	۳۷	اژدها .....	۳۷
مهر ابراهیم .....	۲۸	انار .....	۱۷
مهر سلیمان .....	۲۸	الهه مادر .....	۷، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۲۲، ۲۰، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۴۰
مهر داود .....	۲۸	اولگن .....	۱۳
وفاداری .....	۲۹، ۳۶	الی‌بلینده .....	۳۶، ۱۷۶
هیئتایت .....	۴، ۶، ۸	بلیک .....	۳۹، ۳۸
یرسو .....	۱۰	تاراک (شانه) .....	۲۶
		چاتال هویوک .....	۷
		چشم زخم .....	۳۰، ۲۸، ۲۴، ۱۷
		چلیبا .....	۲۵، ۲۴، ۲۶
		چنگل .....	۱۶
		خشخاش .....	۱۷، ۱۸
		زئوس .....	۲۱
		درخت زندگی .....	۳۳، ۳۴
		دست .....	۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴
		دیکتیلیس .....	۲۱
		رعد و برق .....	۱۲
		ساندیک .....	۳۷، ۳۸
		ستاره پنج پر .....	۲۸
		ستاره شش پر .....	۲۸
		ستاره هشت پر .....	۲۸
		کوچ بویون‌زو .....	۵، ۱۷، ۲۰، ۳۶
		گیلگمش .....	۳۳
		گوشواره .....	۳۰، ۳۱
		عقرب .....	۱۹
		عقاب .....	۲۶

# **The Language of Kilim of Anatolia**

Written by:

**Üzeyir Özyurt**

Expert in kilim

Konya- Turkey

Translated by:

Reza Sadeghi



# LANGUAGE OF KILIM OF ANATOLIA



Üzeyir Özyurt

kilim expert

Translated by: Reza Sadeghi



ISBN 978-964-8060-86-7

